
مقدمه

"دلیل راه تعالی فردی" برنامه‌ای جامع و کاملاً کاربردی برای دستیابی به رشد، پیشرفت و موفقیت است؛ برنامه‌ای همه‌جانبه که بر تمام جنبه‌های زندگی فردی، خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی شما تاثیر می‌گذارد و به شما کمک می‌کند تا روشی خردمندانه‌تر، استوارتر و بهتر برای زندگی و کار خود بیابید.

اصول، ایده‌ها، روش‌ها و فنونی که در این طرح به شما پیشنهاد می‌شوند، بارها و بارها طی سالیان آزموده و درستی و اثربخشی آنها اثبات شده است. همچون تعالی‌جویانی که در دوره تعالی فردی شرکت کرده و نتایج جذاب و هیجان‌انگیز آن را تجربه نموده‌اند، شما نیز می‌توانید به اصول، ایده‌ها، روش‌ها و فنون این طرح اعتماد کنید. هدف نهایی این برنامه، بهبود همه ابعاد زندگی شما و بهره‌برداری هرچه موثرتر از زمان، فرصت‌ها و استعدادهایتان است.

نکته حائز اهمیت این است که زندگی و کار شما باید بر پایه چشم‌انداز فردی شما تنظیم و هدایت شود، تا بتوانید در مسیر تعالی فردی گام بردارید. بنابراین، طرح تعالی فردی با اتکا بر چشم‌انداز فردی شما نوشته می‌شود. وقتی چشم‌انداز روشنی دارید، می‌توانید بفهمید که کدام حوزه‌های زندگی و کار شما نیاز به تغییر و بهبود دارند.

چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود طرح تعالی فردی موثر باشد؟

دلیل راه تعالی فردی هشت ویژگی ممتاز و منحصر به فرد دارد :

۱. این طرح رویاها، آرزوها، اندیشه‌ها، باورها، نگرش‌ها و عواطف شما را محترم می‌شمارد. با این وجود از شما می‌خواهد که در حد توان روی تغییر ذهنتان متمرکز شوید. برای چه؟ برای تبدیل "ذهن معمولی"تان به "ذهن عالی"، که ذهن همه چیز است و غیرممکن است بتوان با ذهن معمولی، انسانی عالی و بزرگی شد.

۲. این طرح از شما می‌خواهد که به جای "واقع‌بینی" مفرط، بر رویاها، آرمان‌ها و به‌ویژه بر چشم‌اندازتان متمرکز شوید. شاید شما از افرادی باشید که منطق و استدلال و گرایش به واقعیت‌ها را مقدس می‌شمارند! و یا از انبوه افرادی که عادت کرده‌اند فقط از نیمکره چپ مغزشان، که جای منطق و استدلال است، استفاده کنند. درحالی که رویاها، آرمان‌ها و چشم‌انداز آدمی با نیمکره راست مغز او سروکار دارند. این نیمکره جای نیروهای خلاق آدمی است که بیشتر از عقل و منطق و استدلال با احساسات و عواطف آدمی درگیرند. شما با استفاده از نیمکره راست مغزتان، یاد می‌گیرید و می‌توانید با ژرف‌ترین رویاها و خواسته‌های قلبی‌تان پیوند برقرار کنید، تنها از این راه است که می‌توانید ندای الهی درونتان را بشنوید و هدایت زندگیتان را به دست این ندای الهی بسپارید. به زبان دیگر، این طرح شما را به "رویاپردازی" و "آرمان‌گرایی" تشویق می‌کند؛ جایی که فرصت می‌یابید تا خودتان را از زندان واقعیت‌ها رهایی بخشید و به خلق دنیایی تازه بیندیشید.

۳. این طرح تاکید ویژه‌ای بر "ماموریت‌گرایی" دارد. ما، هرکدام اینجا هستیم و یا بهتر است بگوییم به این جهان فراخوانده شده‌ایم تا دنیایی تازه بسازیم. جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، امانتی نیست که بخواهیم آن را بدون هیچ دگرگونی از گذشتگان بستانیم و به آیندگان بسپاریم. جامعه چالش است! از آن رو که ما مامور به تغییر آن در جهت پیشرفت و تعالی هستیم. ماموریت هر یک از ما آن کاری است که باید برای ایجاد دگرگونی و پیشرفت در جامعه انجام دهیم. این طرح از شما می‌خواهد که "ماموریت الهی‌تان" را بیابید و در تمامی زندگی‌تان محکم به آن

بچسبید؛ همانطور که پیام‌آور تعالی و خاندان گرامی او - که درود خدا بر آنان باد - به ماموریتشان چسبیده بودند و لحظه‌ای از آن غافل نمی‌شدند.

۴. طرح تعالی فردی شما را به یک "زندگی ارزشی" فرا می‌خواند. این طرح برای نخستین بار شما را با "درخت خواسته‌ها" آشنا می‌کند و یادآور می‌شود که انسان، خانواده، سازمان هر کدام پنج نوع خواسته دارند که می‌توان آنها را بر پایه یک مدل درختی نشان داد. در این مدل، ارزش‌های ما اساسی‌ترین خواسته‌های ما را شکل می‌دهند. یکی از بزرگترین ویژگی‌های افراد عالی این است که ارزشی می‌اندیشند و ارزشی عمل می‌کنند. این نوع اندیشه و عمل به آنان اجازه می‌دهد تا "زیست‌ارزشی" را، که اصیل‌ترین و ناب‌ترین نوع زندگی است، با موفقیت تجربه کنند.

۵. این طرح بین چشم‌انداز و عمل پل می‌زند. تمرکز بر ماموریت و چشم‌انداز، که در این طرح بر آنها تاکید می‌شود، دقیقاً به معنای عمل کردن در راستای ماموریت و چشم‌اندازتان است. اگر متعهد و مشتاق به عمل نباشید، ماموریت و چشم‌انداز شما در حد شعار باقی می‌ماند و کمکی به رشد و پیشرفت و موفقیت شما نمی‌کند.

۶. تاکید این طرح بر ماموریت و چشم‌انداز تنها به این دلیل نیست که شما به خواسته‌هایتان برسید. هدف اصلی از این تاکید آن است که شما بتوانید "قهرمان درون‌تان" را کشف کرده و پرورش دهید. قهرمان درونتان مهم‌ترین شخصیتی است که احتمالاً در طول زندگی‌تان با وی ملاقات خواهید کرد. نیچه، فیلسوف آلمانی، می‌گفت: "در درون هر انسان معمولی یک قهرمان وجود دارد که منتظر کشف شدن است" فکرش را بکنید. ما با قهرمان درونمان چه کرده‌ایم، جز به بند کشیدن او در زندانی که برای خودمان و به دست خودمان ساخته‌ایم؟ البته پدران و مادران و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم نیز در ساختن این زندان برای قهرمان درون ما نقش اساسی داشته‌اند. قهرمان درون شما همان "خود عالی و الهی" شماست. وقتی خود جدیدتان را بیابید، زمان پوست‌اندازی و خداحافظی یا خود معمولی و کهنه‌تان فرا می‌رسد.

۷. از دیگر ویژگی‌های برجسته این طرح، تاکید آن بر کشف و پرورش "استعداد منحصر به فرد" یا استعداد طلایی‌تان است. شما استعداد برجسته‌ای دارید که تنها و

تنها متعلق به شماست و شما در آن بهترین هستید. البته این طرح از دیگر استعدادهای شما - که آنها را استعدادهای نقره‌ای‌تان می‌نامیم - نیز غافل نیست. شما منظمه‌ای از استعدادها دارید که استعداد منحصر به فردتان همچون خورشیدی تابناک در کانون آن می‌درخشد.

۸. این طرح اهمیت ویژه‌ای به کشف "عشق شغلی" شما می‌دهد. عشق شغلی شما آن کار منحصر به فردی است که شما برای انجام آن ساخته شده‌اید. شما از انجام این کار به وجد می‌آیید و بیشترین شور و شوق و انگیزش در شما به وجود می‌آید. کار کردن در شغلی که به آن عشق می‌ورزیم، علاوه بر ایجاد شور و انگیزه، سلامت و رشد روانی ما را نیز تضمین می‌کند. بدیهی است که عشق شغلی ما یک کاری تکراری نیست، بلکه کاری است کاملاً چالشی، خلاق و نوآورانه.

کار سازنده توأم با علاقه، اصلی‌ترین راه دستیابی به رشد و سلامت و تعالی روانی است. کار سازنده کاری است غیرتکراری، خلاق، چالشی که اگر همراه با عشق و علاقه باشد به یک کار تمام‌عیار تبدیل می‌شود. این کار تمام‌عیار، که امروز می‌تواند به راحتی در دسترس شما باشد، "عشق شغلی" شما نام دارد. وقتی در عشق شغلی‌تان کار می‌کنید، بیش از هر کار دیگری به وجد می‌آیید و احساس رضایت خاطر می‌کنید. این احساس مثبت و سازنده همراه با حل مسائل و چالش‌های شغلی، رشد و تعالی روانی شما را تضمین می‌کند. در مقابل شغل تکراری و تهی از چالش، به‌ویژه زمانی که به آن علاقه‌مند هم نباشیم، رشد درونی شما را متوقف می‌کند. توقف رشد روانی انسان، از او یک حیوان می‌سازد!

با الهام از هنری مینزبرگ - روانشناس



منظومه استعدادهای شما.

استعدادهای تکمیلی (نقره‌ای) شما نمی‌توانند بیش از انگشتان یک دست باشند

انسان معمولی زندانی و زندانبان خویشتن است

نویسنده‌ای به درستی در کتابش نوشته که ما انسان‌ها خودمان برای خودمان زندان می‌سازیم و خود نیز زندانبان خویشتن می‌شویم. نه تنها خودمان بلکه پدران و مادرانمان و جامعه‌مان در این زندان‌سازی نقش دارند. آنگاه اضافه می‌کند که خاطره شکست‌های گذشته، ته‌مانده ماجراها و سرکشی‌های دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، غصه‌ها و دلخوری‌های انباشت شده و دردهایی که مثل خوره روح ما را می‌خورند. جالب این است که افراد گاهی با لذت و دودستی به این خاطره‌های تلخ و دردناک می‌چسبند و متاسفانه از تاثیر فلج‌کننده آنها بر روی رشد و پیشرفت و موفقیت خود غافلند. مصالح این زندان، افکار، باورها، احساسات، نقش‌ها، عادت‌ها و مشاغلی است که به دست خودمان، خانواده‌مان و جامعه بر ما تحمیل شده است. زندانی آسیب‌دیده این زندان مخوف، "خود حقیقی" ما است. در حالی که خود فعلی ما - یعنی "خود محیط‌ساخته ما" - به راحتی آزاد است و جولان می‌دهد، خود حقیقی ما در پستوی ظلمانی ذهنمان زندانی شده است. همانقدر که جسم ما به اکسیژن نیاز دارد، روح ما نیازمند رهایی و آزادی از زندان خودساخته‌مان است و این همان آزادی حقیقی است. جالب است که با رها شدن خود حقیقی ما از این زندان، "قهرمان درون ما" نیز شروع به بیدار شدن از خواب زمستانی خویش می‌کند و آرام‌آرام خودش را نشان می‌دهد. درواقع، این همان سخن نیچه است که می‌گوید: "در درون هر انسان معمولی یک قهرمان وجود دارد که منتظر کشف شدن است". بیدار شدن قهرمان درون ما به ما امکان دهد تا یک زندگی پر از هیجان و ماجراجویانه را بسازیم؛ یک زندگی سراسر متفاوت، با حال و هوای متفاوت. قهرمان درون ما همان "خود حقیقی" ما است. جان و جوهره تعالی فردی، بیدار کردن و پرورش قهرمان درون است. این کار نیازمند شناسایی و پرورش تمامی استعدادها و ظرفیت‌های خفته ما به ویژه "استعداد منحصربه‌فردمان" است. افراد باهوش اغلب استعدادهای چندگانه دارند؛ آنچه که ما آن را عطیه‌های الهی چندگانه می‌نامیم. اما هر یک از ما تنها در یک استعداد بهترینیم و آن استعداد منحصربه‌فردمان است که به‌ندرت بر شناسایی و پرورش مسئولانه آن تمرکز می‌کنیم. در دوره تعالی فردی، به شما کمک می‌کنیم تا نه تنها استعداد منحصربه‌فردتان بلکه استعدادهای نقره‌ای‌تان - را نیز بشناسید و برای پرورش آنها اقدام کنید. شناسایی، پرورش و بهره‌گیری از استعدادهای ارزشمند سبب می‌شود تا آنگاه که در برابر خداوندگار خویش می‌ایستیم، با سربلندی و افتخار بگوییم: "خدایا! ما درونمان را به گورستان استعدادهایی که به ما بخشیده بودی، تبدیل نکردیم. آنها را شناختیم و پرورش دادیم و مسئولانه در راهی که باید، به کار گرفتیم." و این همان راهی است که "ماموریت الهی‌مان" در برابرمان ترسیم می‌کند.